



باسمه تعالی

نظریه امام خمینی در تسمیه

نظریه امام خمینی در میز علوم مبتنی بر تصویر جامع و ارتباط آن با تسمیه

براساس تحلیلی که از سخنه ارائه شد مشخص شد که می توان میزی داشت غیر از میز به موضوع و میز به غرض. حال یا سنخه را با توجه به توضیح آقای فاضل و یا توضیح شهید مطهری در مورد تک مساله در نظر بگیریم و ناظر به جنس ادراک و خصوصیت خاص آن بدانیم و یا همانند آنچه در مورد فرمایشات امام خمینی ره توضیح داده شد ناظر به مجموعه مسائل بدانیم. پس در مجموع چهار مدرسه بوجود خواهد آمد. میز به موضوع، میز به غرض، میز به جنس گزاره و میز به جامع.

اگر مساله جامع مطرح شد و قرار شد در مقام تسمیه با جامع کار شود در نتیجه در خیلی جاها که قرار است با طبیعی خارجی و یا شیء خاص خارجی هم کار شود باز با جامع کار می شود.

نقش «جامع» در مصداق قسم چهارم وضع بودن تسمیه ها

به عبارت دیگر اگر بحث جامع در تسمیه خوب تصویر شد، مشخص می شود که علاوه بر مرکب اعتباری، در مرکبات حقیقی و حتی اعلام شخصی هم باید با جامع کار کرد. و نحوه کار با این جامع هم از نوع قسم چهارم وضع است یعنی وضع خاص و موضوع له عام است.

نظر مشهور در اقسام وضع، امکان قسم سوم وضع و امتناع قسم چهارم بر اساس مرآتیت

مشهور می گویند در وضع چهار فرض وجود دارد. ۱- وضع خاص، موضوع له خاص ۲- وضع عام، موضوع له عام ۳- وضع عام، موضوع له خاص ۴- وضع خاص، موضوع له عام. وضع یعنی چیزی که واضع عندالوضع و عند التسمیه در ذهن می آورد و موضوع له یعنی چیزی که واضع می خواهد. اینجا آخوند بحث عقلی را مطرح کرده اند

که اینجا مرآتیت وجود دارد. در نتیجه اشکال ندارد عام مرآت خاص باشد. اما نمی شود فرض کرد که خاصی مرآت عام شود. در نتیجه قسم ثالث ممکن خواهد بود ولی قسم رابع، ممکن نخواهد بود.

اشکال امام خمینی ره بر مرآتیت

امام خمینی می فرمایند اگر بحث مرآتیت مطرح باشد، عام هم نمی تواند مرآت خاص باشد. عام در نظر شما یعنی طبیعی. و طبیعی یعنی ماهیت. و ماهیت فقط مرآت خودش است و نمی تواند مرآت دیگری باشد. زیرا در مقولات عشر قائل به تباین مقولات با هم هستید. ماهیت انسان، زیدیت زید را نشان نمی دهد. زیدیت زید به عوارض مشخه آن است. یعنی کم و کیف و خود اینها ماهیت هستند فلذا ماهیت زید نمی تواند مرآت ماهیت ها دیگر باشد. اگر هم کیب بگوید زید را عوارض خاص نمی کنید بلکه با وجود آن را خاص می کند. در اینجا هم باز باید گفت ماهیت نمی تواند مرآت وجود باشد. زیرا مفهوم وجود غیر از مفهوم ماهیت است. پس قسم ثالث بر اساس مرآتیت غلط است.

حتی آقای فاضل می گویند نه تنها از تصور عام به خاص نمی توان رسید بلکه بر عکس آن بهتر است. زیرا زید که می آید، انسان ناطق می آید با خصوصیات دیگر. فلذا در فرض مرآتیت به نظر آقای فاضل، این قسم چهارم است که ممکن است و قسم سوم محال است. البته امام خمینی ره معتقدند در فرض مرآتیت هر دو محال هستند.

عقلایی بودن تسمیه زمینه مصداق قسم چهارم وضع بودن تسمیه

اما اگر فضای مرآتیت کنار گذاشته شد؛ - زیرا فضای مرآتیت یک فضای ادق عقلی است و در تسمیه کاری با این فضای عقلی نداریم بلکه روال در تسمیه عقلایی است - آیا یک عام می تواند خاص را به ذهن بیاورد؟ و یا یک خاص می تواند عامی را به ذهن بیاورد؟ امام قائل اند در فضای عقلایی تسمیه غالباً از نوع خاص - عام است.

ایشان این بحث را در ذیل تبادل در قالب یک مقدمه مطرح می فرمایند. «و هی أن وضع اللغات فی جمیع الألسنة لما كان علی نحو التدریج حسب الاحتیاجات الماسة إلیه،^۱ وضع لغات نه اینکه بر اساس یک نیاز تدریجی است و عرف تدریجاً نیاز دارد که مصدق معنا را بشناسد. «یشبه أن یکون - نوعاً - من قبیل خصوص الوضع و عموم الموضوع له بالمعنی الذی تقدّم»^۲ همان معنای عقلایی که قبلاً گفته شد نه معنای مرآتیت. «من کون الخاص ملحوظاً

^۱ مناہج الوصول، ج ۱، ص ۱۶۵.

^۲ مناہج الوصول، ج ۱، ص ۱۶۵.

حين الوضع و وضع اللفظ بإزاء الجامع الملحوظ بتبعه إجمالاً،» به تبع خاص یک عامی در ذهن واضح می آید «عکس عموم الوضع و خصوص الموضوع له؛ لأنّ الانتقال حال الوضع نوعاً كان من بعض المصاديق إلى الجوامع بعنوان كونها جامعة لها، من غير التفاوت إلى حقائقها و أجناسها و فصولها، فوضعت الألفاظ بإزائها بمعرفة هذا العنوان.»^۳ امام حرفشان این است که واضح در حال وضع که یکی از عقلاست و کاری به فلسفه و منطق و غیره هم ندارد، یک خاص جلوی چشمش است ولی منتقل می شود به یک جامعی که هم این خاص را می گیرد و هم تطورات آن را می گیرد بدون آنکه بحث جنس و فصل و اینها هم مطرح شود. «فکلّمَا عثر البشر علی شیء و رأى احتیاجه إلى تسميته باسم، وضع لفظاً له من غير نظر إلى خصوصيته الشخصية، بل لجامعه و طبيعته النوعية من غير اطلاع على جنسها و فصلها، بل بما أنّه جامع بينه و بين غيره من الافراد، لا لهذا العنوان، بل بمعرفة لِنفس الطبيعة المعلومة بوجه.

و لو ادّعى أحد القطع بأنّ ديدن الواضعين كان كذلك نوعاً، خصوصاً في المصنوعات و المخترعات، بل و الطبائع التي اطّلع البشر علی مصداقها في الأزمنة السابقة جدّاً، و وضع اللفظ لجامعها بنحو، لم يكن مجازاً.^۴

کسی که اول بار هواپیما را اختراع کرد این لفظ را برای آن وضع کرد ولی هنوز با همه تغییرات پیش آمده باز به این وسایل موجود هواپیما گویند. حتی وقتی چیزی کشف هم می شود همین است. وقتی آب، آب نامیده شد اصلاً کاری به این نداشتند که بسیط است یا مرکب است؟ مرکب از چه اجزائی است؟ فلذا خیلی از این حقایق اصلاً برای واضح مشخص نیست. حتی ایشان می گویند اسم زید را هم که می گذارند به همین شکل است. پدر او اصلاً کاری به ریزه کاری ها نداشت. و با اینکه زید جلوی او بود لکن کاری با خصوصیات فعلی او نداشت.

فلذا امام ره می گویند در همه این تسمیه ها جامعی وجود دارد و این جامع با یک سری آثار معرفی می شود.

در مسائل مربوط به تمدن ها بحثی وجود دارد که تمدن از انبیاء شروع شده است. اینجا حرف هایی پیش می آید و خطاب و حیانی مطرح می شود و سر سفره خطاب و حیانی، خطاب قانونی هم معنای دیگری پیدا خواهد کرد. امام در مورد انسان شناسی مبانی خاصی دارند.

^۳ مناهج الوصول، ج ۱، ص ۱۶۵.

^۴ مناهج الوصول، ج ۱، ص: ۱۶۶ و ۱۶۵.

دَیْدَنِ واضعین و وضع در جمیع لغات تابع احتیاج است. پس اولاً در این زمینه با دید فلسفی مرآتیت نباید جلو رفت. و ایشان قائل اند که اگر کسی خواست فلسفی بحث کند خاص - خاص خراب می شود زیرا ایشان می گویند چیزی که در ذهن است خاص نیست. خاص برای وجود فی الذهن است نه وجود ذهنی. حتی عام - عام هم خراب می شود.

اما اگر عقلایی بحث شود همه اینها شدنی است و باید گفت در حین تسمیه هم خاص هست و هم عام است. در این صورت ایشان معتقدند اغلب موارد از قسم خاص - عام هستند. الا در معنای حرفی. که بشر وقتی با معنای حرفی کار می کند نسبت را واقعا می فهمد. اگر این نظام خوب فهمیده شود بسیاری از مسائل موجود در فلسفه غرب هم حل می شود. بسیاری از اشکالات به کلام خدا هم حل می شود. زیرا همه اینها تابع این مبناست که فرض کردند تسمیه تابع یک بحث دقیق علمی است. در حالی که اصلاً چنین نیست بلکه لفظ یک ارتباطی با معنا دارد آن هم در وعاء فهم عقلایی و یافتن مصادیق اخفی ی یک معنا هیچ ضرری به تسمیه اول نمی زند. همچنین با فهم صحیح سازمان امام ره فرق بین قرآن، حدیث قدسی و حدیث پیغمبر هم حل می شود.

مقرر: علی اکبر اژه ای